

یا امیرالمؤمنین میگویند معارف انقبای طیّ القابره عیسیٰ شمر  
غیره قدعان نجد عقیس بنوه سلال حدیدون و  
بنوزپده بنوه صوات از جنس طیور شتر مرغ کثرت و فراوانی  
در این صحاری وجود دارد و صنعا طول یابی و ایامش دوازده است  
و پنجاه و پنجد قده است و پاشت عینت و شمل پنجاه هزار جمعیت است  
همه جمعیت ملک مین پنج کرد و رمایات و منافشش و کرد و لشکر و نوکرش  
پنجاه هزار است شکر نیک و معمور است حدن که از بنا در عینت حال خند  
سالت که دولت انگریز متصرف شده و قلعه مضبوطی در آنجا ساخته  
و آنرا جنبریه گویند نموده اند بن در محاکم جزو عینت متصرف دولت  
عثمانه کوه طور سینا و حورب که در حورب موسی شبانه شعیب  
مشغول و بی بنوت مبعوث گشته و در سینا نزول احکام و تورات روی  
منو و این بر عربستان فیما بین بلاد شام و مصر است حواله بن در موسی

بنامین دو شعبه از بحر الاحمر واقع شده بجز اخلیج عقبه و یکی از اخلیج سویس

گویند و عثمانی بحر الاحمر است و دیگر از

مالک آسیا مملکت چین است

مشتمل است بر چین اصلی و قدری از تاتارستان و تبت و مملکت

کاری و چین اصلی محدود است در شرق و جنوب با دریا و در مغرب

بالتبت و شمال با تاتارستان مملکت و دولتی است قدیم و قویم و آن

چین شاهنشاه خود را چون آفتاب و سایر سلاطین عالم چون ستاره میدانند

و عموم امالی چین بر پرستش صنایع و ممالک و ممالکش طولی و عرضی

چنانچه چین اصلی بعضی فرسخ طول و پانصد فرسخ عرض دارد

اگر چه غربا را مطلق در ملک خود راه نمیدهند و معاملات با تمامه

سرحدات و ثغور مملکت میشود و سه دفعه تا بحال سفراء فرنگستان

برحمت ما اصل با پشت رفته اند و آنچه لازم سعی و دقت بوده در تفتیش

و شخص حالات آن ملک نموده اند و هم چنین قونسلهای ایشان که در  
سرحد و غور مقیم باشند کمال دقت را مری داشته فی الجمله اطلاعاتی  
حاصل نموده ضبط کرده اند نفوسش را شش صد و شصت و شش  
گروه شصتین نموده اند شکر سه گروه و سیصد هنر مالیات و منافع  
ولایتی و وسعت و همشاه و گروه چهار هزار شصت است که قلعه دارد و در  
امالی چین تمام است پرستیت با شصت شهر مکن است سه گروه نفوس  
شصتین نموده اند که در آن شصت ساکن است اطول سالی و ایامش  
چهارده ساعت و پنجاه دقیقه است شهر مشهور و بزرگ که وقتی آنهم دار  
السلطنه بوده تنگین است شهری زیبا و رنگین است شصدهزار نفوس  
صد و ساکنین است و اشهر با در چین کنتونست که هشتصد هزار نفوس  
در آن مسکونست و قونسلهای دول فرنگستان در این بند  
سکن دارند و جازات ایشان در پنجاه باب و ارباب بنامند در این

از منته جدیده در چهار سبدر دیگر نیز اذن حاصل نموده اند اول  
بندر آما سی ثانی سبدر فوج ثالث بندر تینک پک چهارم بندر  
شانگ سی و رودخانه های بزرگ این مملکت هونگ هونگ است که  
طولش هزار فرسخت دیگری نیک تی کنگ است که طولش هزار  
هفتاد فرسخت و منبع این رودخانه از جبال تبت است و شهر  
پکن در عرض مستطیل واقع شده دایره اش قریب پنج فرسخت  
دیوار قلعه اش قریب هشت زرع و نیم ارتفاع دارد عرض  
پایین دیوارش قریب شش زرع و نیم و بالای دیوار سه زرع و نیم  
عرض دارد و بروج متعدد مشید با فاصله پست زرع برشته اند  
نه دروازه عالی دارد که سه در سمت جنوب و دو در سمت شمال و دو  
در طرف مشرق و دو در مغرب است دیوار ارک شانگ سی از پشت  
پنجه و ارتفاعش شش زرع است و طول ارک ثلث فرسخت است

شاهی و امر او در راهی درارگست و در وسط این شهر دو کوچه است  
 که هر یک طولش یک فرسخ و ثلث است و عرضش سی و شش رحمت  
 چنانچه در وسط این کوچه دروازه‌های چهار سمت نمایانست  
 که چهار مفروش و هر درزه جاروب و آب باقی میکنند و بعضی  
 از دو گالین بر عراده قسه ار داده و ستیاریزند و دیگر از عجایب این ملک  
 بطور تحقیق دیوار است که فیما بین چین اصلی و تاتارستان کشیده اند  
 که پانصد فرسخ طول است و شصت و هشت رزق در شعاع و چهار  
 رزق و نیم عرض دارد و قریب بدو هزار سال است که ساخته اند و موات  
 تعمیرش شده اما لی چین در صنایع و بدایع ما هر وید طولانی  
 دارند الا در جنگ و محاربه که با این کثرت صدمه میخورند ظاهراً  
 بسیار اولاد تنبلی و پکار کی اهل مملکت و ثانی چون تا بحال توت  
 و تنک زیاد معمول نشده بقاعده قدیم سایر ممالک تیر و نیزه

و همیشه و از این قسمل آلات جارحه و اسباب حربیه متداولست لهذا  
اکثر اوقات مغلوب و مقهورند چون اکثر اوقات با مالی فرنگستان  
نزاع دارند چنانچه تو سبانه و نظامی فراسم آورند با این کثرتی که دارند  
البته اگر آنها را با کسی تراعی پیدا نشود کسیرا با آنها حالت نزاع نخواهد  
بود و الا با طول اعل و ابرام و ابرام و سماجت طایفه شدید العمل فرنگستان  
برادر طریقت ممالک هندوستان خواهد شد و شایسته چینی اکنون  
بیزی هینک نامست که او را پیشه چو نیز کویند مدت ده سال است  
که شایسته این ممالک و پست و مفت سال از عمر شش گذشته است از  
طایفه مغولست در سده شصت و پنجاه هجری که قبلا قان از جانب برادر  
اکبر خوب منگوقاآن بیخ ممالک چین مامور گشت بعد از تسخیر در آن ملک  
جائس بر سلطنت گردید تا زمان حیاتش بر رسید سلطنت  
آن ملک بر اولاد و خلفا و شش واحد ابقد واحد بر قرار بود زیاده از

یکصد و پانزده سال حکمرانی بالاستقلال نمودند در سنه هفتصد و هشتاد و شصت  
 امالی چین طایفه مغول را از مملکت بیرون کرده از اهل ملک شخصی را  
 سلطنت اختیار نمودند مجدداً در سنه هزار و سیصد و نود و پنج خیزی  
 انجیزی نموده بر مملکت چین ستونی گردیدند تا تاریخ مذکورالی یونانها  
 اسامی و مدت سلطنت شاهان چین از این قرار است چوانگ  
 پنجاه سال ششصد و شش سال گنگ هی پست و پنج سال  
 یکصد و پنجاه و چهار سال کین گنگ شصت و دو سال که  
 وینگ پست و پنج سال توگونگ سی سال اما حالات ممالک تاتاریان  
 که عبارت از ترکستان مغول و قالموق و قرقر و غیره است از متصرفی  
 دولت چین یا غیر متصرفی ایشان خصوصیاتش آنچه گفته شود علی  
 العمیا است مجلس منیت که ثبت که جزو شاهنشاهی چین است و در  
 مغرب چین اصلی و قسمت منقسم بدو قسمت فتمتی را ثبت که بر

قسمی را بقت صغیر گویند که هستان و پابان زیاد دارد و حیوان مخصوص

استخا آهوی مشکست و دارالحکومه قبت کچر شهرست که از آبها گویند

و دارالحکومه قبت صغیر لکن نامند و یکرا از مالک آسیا

### مملکت برمانت

که پیکو نیز گویند سواحل دریای این ملک بتصرف دولت ایران است

و اقیه با مالی خود این مملکت است و پانچش لوکات نامند و چندین

شهر و قصبات معمور و آباد دارند مذہب ایشان عموماً بت سنیست

همه جمعیت این ملک هفت کرو در و دویست هزار شکر و نوکر شری

سه هزار است مالیات و منافع ولایتی هفت کرو است دیگر

### مملکت صیام است

که مذہبان عبادت صناست طول این ملک صد و هشتاد فرسخ

و عرض شصت و هفت فرسخ و جمعیتش هشت کرو است شکر

این دولت سی هزار مایات و مدخل ولایتش سیزده کور است  
 و پانصد و پنجاه نفر معمرش نیکو کویند و اهل این ملک  
 شیخ و معمرین خود را محترم دارند و کثیر احتیرو دزد و راجع  
 قبایح شمارند و هزار متجا و زر زمین رئیس مذمب دارند و بر این همه  
 و زود صاحب اعظمی معین است که او امر و نوایهی آنرا مطیع و منتقادند  
 و خود را اشرف و انجیب طوائف اعم میدانند و هیچ پسر با دام  
 حیات در نزد پدر آذن جلوس و اکل و شرب ندارد و خلاصه اهل  
 حیا در آداب و ادب با علامت مقام رسیده اند معدن باقوت بسیار  
 ممتاز در این مملکت موجود است  
 دیگر ممالک مکار و کوچن چینی و تان گوین و تسی اسپه است که  
 از حالات این ممالک اطلاعی کامل هستند حاصل نیست  
 دیگر مملکت دولت چیان است

که جزیره طویل اجسیر متفرقه چند است دولتی است قومی و قاهر  
نیغون که اسم جزیره بزرگ طویل آن دولت است و در بحر بنگال  
واقعست یصد فرسخ طول و سی فرسخ عرض دارد و قوس این  
مملکت را صد گز و شصت گز کرده اند یکصد و پست هزار شکر و چهل گز  
داخل و منافع ولایتی آن کشور است پانصدت این مملکت شهر است که  
جد و مینا مندرسه گز و جمعیت در آن گز است طول بیالی و پانصد  
چار و بیست و نیت و شهر دیگر که رئیس مذہب آنها مندرسه دارد  
میگردد مینا مندرسه شصت هزار قوس در آنست قصبات و شهرهای  
معمور سو فورد و معدن طلا در این مملکت و افرسابق بر این بحر  
ولندیز و اهل چین اعدی از طوائف مختلفه بدین ملک راه میزنند  
در این اوقات اهل بنگال دنیا می شمالی در چند مکان معین از آن معانی  
و تجارت حاصل نموده اند

دیگر از ممالک آنها ماوراالنهر است

طول این مملکت دویست و سی فرسوخست و عرضش صد و پستوسوخ  
هواش فرج اینگز خاکش حاصل خیز آبش کواریا پختش شکر بخارا  
که اطول لیالی و ایامش چهارده ساعت و پنجاه دقیقه است و جمعیتش  
هفتاد هزار است و دیگر شهر سمرقند است که مسافتش تا بخارا چهل  
و هفت فرسوخست و صفدر که از خانات اربعه دنیا حساب کرده اند در  
حوالی این شهر است چنین گویند که مدت هشت روز در ولایت صفدر  
میتوان مسافرت نمود که از سایه شجار و کناره آنها خارج نبود و دیگر  
شهرهای معروف طراز و اطراف تاشکنت ترمذ طالقان اندر  
همچنان قرشی حصارشادمان خشکیت خندان خوقند  
نخند فاراب شبرقان اند خود ورود خانهای مشهور این ملک  
چون است که سیصد فرسخ طول آنست و دیگری سیحون است

طولش صد و شصت فرسخست و مصب هر دو رودخانه بحیره است  
که بحیره خازرش خوانند نفوس این ملک را هشت کروم تخمین نموده اند  
مذهب اغلب و اکثر اسلامست بطریقه حنفی لشکرش بیست و پنج  
هزار است مالیات و منافع ولایتی دو کروم و امیر بخارا در کمال قدرت است  
دیگر ملک خازرست

که پاشش خیره جمعیتش شصت هزار ا طول بیابالی و اینش با توده  
ساعت و هفت دقیقه حدود این ملک از جانبی برود و از سمتی با سترابان  
و از طرفی بمالک روس و بحر خزر متصل میشود از خیره تا استرآباد  
تقریباً سیصد فرسخست در این بیابان دور غیر معمور طولانیست  
ترکان در نهایت آرام وطمینان سکونت اختیار نموده اند مذهب  
ایشان مانند برادران طریقت خود اهل ترکستان است  
دیگر مالک سبزیه است

که متصرفی دولت روس است تخمین هزار و سیصد فرسخ طول و  
شصد فرسخ عرض دارد ولی اغلب و اکثر پابان و کشتراکیش چاقه  
نشین طوایف مختلفه و مذاهیب متفاوته میباشند نفوس همه این  
مملکت را پست و ششش کرد در ششین نموده اند و در سه قصبه معتبر دارد  
که یکرا اسپر کویند دیگر قصبه توپوسک است که محل تجارت و آمد  
و شد قوافلت دیگر قصبه ارکوتسک است که پست و دویزهار  
جمعیت است و درین مملکت طایفه نستیمی بمشهور است که کشتهای  
طول قامت ایشان بگزعت و همچنین اسبهای است که هیچ  
از علم و خطا بهره ندارند و عدد در از زیاده از ده نمیتوانند شمارند  
و خانههای ایشان تنور مانند و در زیر زمین است و با عرادا  
کوچک بارگشی می کنند و عرادا را بکهای قومی بسپارند که مخصوص  
آن مملکت می بندند و متصرفین دولت روسیه را با این مملکت می نمایند

و در اینجا آنها را با انجام خدمات دولتی از قسطنطنیه بکنند معاون غیره

ماورمید از مدینة قفقاز به مملکت سپریه متصلت که شهرش

حاجی ترخانست و جمعیتش پنجاه هزار متجاوز است مذہب اهل

سپریه و قفقاز اطلب و اکثر نصاری و قلیلی از مذہب مختلفه است

قسمت دوم از قسام خمس اروپاست

این قسمت بحسب رسمت نسبت بباقی تقسیمات کوچکتر ولی بحسب

کثرت و معموری و نظام امور است در مرتبه برتر است حدودش از

سه طرف با دریا محدود است و از سمت مشرق بسیماند مذہب اهل

این ممالک عموماً نصاری و قلیلی یهود است ممالکی که در این قسمت

در قسمت

مملکت و دولت فرانسه است

که دولت قدیم قوم قاوروقا هم در تحت است و تحت ستم مملکت

سوی متصرفی خارج نمیشد و نود و نود فرسخ طول و یکصد و شصت  
فرسخ عرض دارد پانزده شهر با رئیس است که اطول بیابالی و ایش  
شانزده ساعت است و از شهرهای خوب ربع مسکونت و دو کرد  
و چهل هند از جمعیت این شهر شمساره در آن در پست سال  
قبل از این لوئیس فلیپ امپراطور سابق آسنا قلعه از سنک و کج  
و یک بنا نهاده که زبان از زبان او صفاتش عاجز و خامه از تهریرش  
قاصر است قریب بی کرد و تومان مخارج نه شده دایره نقطه دو و از ده  
فرسخت سی در و از ده دارد شانزده قلعه کوچک بجزت محافظت  
دشت نیند قلعه در اطراف ساخته اند سوی ولایات متصرفی خارج  
مشتاد کرد و جمعیت این مملکت را مشخص نموده اند منافع و داخل  
ولایتی یکصد و شصت و یک کرد و شصت دولتی شصت و شصت  
و چهار کرد و تومانست لشکر سفری و حضری با یکصد هزار جانش

خکی دولتی و تجارتی هفت هزار و هشتصد فزودست شهرهای  
مشهورشان قن قن بلو یانس بندر مسیز پورو رو این  
ارنیز تنش بریت بندرتولون نیل  
استزرک بولانک بندر کلیس لود لروس  
اجکیو کامپین پتی برست و رودخانهای معروفین  
مملکت رودخانه سین رون رین میوس رودخانه  
لوار است و پراطور این مملکت اکنون لوئیس ناپلیون سیم است  
که پسر لوئیس برادر ناپلیون اولت قریب بهشت سالست که از  
منصب رئیس جمهوری برتبه اعظم پراطوری سرفراز شده و  
قریب به پنجاه و سه سال از عمرش میگذرد و بعدش پسر  
چهار ساله است که خراین اولادش نیست سلاطین باضیه ایندولت  
و ایام سلطنت بدین موصیت فرزند که در سنه چهارصد و

هجده عیسوی بر تخت خسروی جلوسس نمود ایام سلطنتش نه سال  
 بود کلا دیوسس پست و یکسال مرد و پوسس ده سال چیدریک  
 پست و سه سال کلا دیوسس سی سال چیدریک کلا دیوسس  
 ششمی کلا دیوسس این چهار برادر هر یک در ملکی از این مملکت  
 پست و سه سال سلطنت نمودند چیدریک چهارده سال  
 نمود و کلا دیوسس کلا دیوسس چیدریک کلا دیوسس  
 چیدریک این چهار نفر در اماکن مختلفه این مملکت چهارده سال معاً  
 سلطنت نمودند چیدریک دوم نه سال کلا دیوسس دوم  
 دوازده سال ششمی بی هفده سال ایضا کلا دیوسس دوم  
 پانزده سال و کلا دیوسس ده سال کلا دیوسس دوم یکسال و چیدریک  
 دوم هجده سال کلا دیوسس سوم پانزده سال چیدریک دوم  
 پست و دو سال کلا دیوسس سیم چهار سال چیدریک سوم

شانزده سال و کوبرت شش سال چلیز یک دوم سه سال کلایر

چهارم یک سال بیژنی چهارم و چارلس منزل میت و دو سال

چلدر یک سوّم یازده سال پهن شانزده سال چارلنگین جیل

هشت سال لوئیس میت و شش سال چارلس سی و هشت سال

لوئیس دوم دو سال لوئیس سیم خیال چارلس ل کر اس سه سال

فیوودس خیال چارلس سیم میت و نه سال رابرت یک سال

رادالف سیزده سال لوئیس چهارم هجده سال لوئیس سی و دو

سال لوئیس پنجم خیال بیوگیت نه سال رابرت دوم سی و

شش سال سیزده اول سی سال فلیب اول نجاه سال

لوئیس ششم میت و نه سال لوئیس هفتم جیل و پنجم سال فلیب

دوم جیل و چهار سال لوئیس هشتم سه سال لوئیس نهم جیل و

شش سال فلیب سیم یازده سال فلیب چهارم سی سال

لوئیس دهم دو سال بان چند ماه فلیب پنجم شش سال چارلس  
 چهارم شش سال فلیب ششم پست و سه سال جان دوم چهارده  
 سال چارلس پنجم هفده سال چارلس ششم هجده و دو سال چارلس  
 هفتم هجده سال لوئیس نهم پست و سه سال چارلس ششم شانزده  
 سال لوئیس دوازدهم هفده سال فرانسس اول سی و دو سال هتھی  
 دوم دوازده سال فرانسس دوم یکسال چارلس نهم پانزده سال  
 هتھی سیم پانزده سال هتھی چهارم پست و دو سال  
 لوئیس چهاردهم هفتاد و چهار سال لوئیس پانزدهم شصت و  
 یکسال لوئیس شانزدهم سی و یکسال باپلیون اول نوزده سال  
 لوئیس سجد هم نوزده سال چارلس هفتم شش سال لوئیس فلیب  
 هجده سال جمهوری پخال و متصرفی ایندولت در خارجه جزیره  
 کدالوب در هند الفرب طلوش میت فرنج و عرضش چهار

فرخت فاکش حاصل خیر پختش قصبه شیر است دیگر جزیره  
مزمینیک در هند الغرب قصبه بزرگ آنجا پرت رایل و قصبه  
سنت پیر است طوشش شازده فرنج عرضش از پنج تا ده فرسخ  
حاصل خالصه آنجا شکر و نارچسل و قهوه و پنجه و نیل و پخت  
و جمعش از صد هزار فرسنت دیگر جزیره کهن است که در  
مجال کویا است حاصلش فلفل و قهوه و شکر است جمعش هزار و  
پانصد نفر است دیگر جزیره بوربان که در محیط هندوستان  
طوشش پست فرسخ عرضش حاصل شیر قهوه و بنا کوی آنجا کمال  
است یازده دارد دیگر جزیره مریه کلنت و جزیره دسید و جزیره  
سینش و جزیره سنت پیر و جزیره میکوی لان است دیگر وایت  
شکلست در مغرب افریقا در دهانه رودخانه که باین اسم موسومست  
و قصبه سنت لویس پخت این ولایت است و رودخانه آنجا

معروفست و دولت فرانسه در این ولایت قلعه محکمی بنا نموده اند  
دیگر جزیره از جزایر کارسیت که در مغرب افریقا واقعست دیگر  
قصبات پانزده چری و کریکل که در ساحل محال کرنا تک بند و شت  
وسالهاست که در تصرف دولت باشوکت فرانسه است و دیگر  
قصبه چند در کنار است در مملکت بنگاله در محلی خوب و مسکانه  
در جانب مغرب رودخانه شوکل واقعست و مسافت میان  
او و کلکته هفت فرسخت دیگر قصبه می که در صوبه میدیا رست دیگر  
ملک الجزیر برستانست که در ضمن این قصبه مذکور خواهد شد  
چون از امپراطور اعظم ناپلیون اسمی مذکور شد بسیار حیف بود  
و از انصاف دور می نمود که باختصار از حالات آن یگانه  
روزگار و شکر یازماندار اظهار می ندارد امپراطور ناپلیون  
والدش بنایرت نام دارد و صلاً از اهل ایتالیا و دوستش نصر

از اجداد و ابا، آن در حسیزیره کارسیکا که جزو ممالک فرانسه است  
ساکن و توطن اختیار کرده اند امپراطور ناپلیون در سنه هزار و یک  
صد و هشتاد و سه یانچ باجلاف روایات در جزیره مذکور عالم  
نهورآمده و بجهت تعلم و تدریس باپریس آمد در مدرسه نظام مشغول  
تحصیل گردید در سن چهارده سالگی کامل شد بعد از امتحان آنرا  
در تونجانه منصب نایب سلطان دادند در زمانه قتل ترقیات کل کرده  
بیرهنکی رسید بسبب جوهر دانه و کار دانه بلافاصله سرب گردید  
در آن اوقات دولت فرانسه جمهوری بود دولت انحرز بندر تولون  
سخر نمود بشمار هزار شکر و تونجانه باستر داد تولون در جانب جنوب  
مامور شد در آن سفر امپراطور ناپلیون در تونجانه منصب سرپشتی داشت  
و باعث گرفتار شدن شهر و شکنش شکر انگریز گردید مرجهت با میر تو مانه  
افواج منصوب شد و مامور خدمات مملکت ایتالیا و مجاوله بادولت

نسار در آن عهد که بیت و پخیاله بود فتوحات چندان است  
منه بعضی طهور رسیده که خانه از تحریرش بجز و قصور عرف  
دارد مراجعت بسبب حاد است اصداد و سعایت می عباد  
مذت در غسل و عمل مجبور بود تا آنکه آتش شده در شهر پارس با لاکر  
و باب شمشیر آن یگانه فروشت باعث خصوصیت محبت  
اعیان جمهور زینت برداری و تخریب مصر با بیت و پنجاه لشکر  
کردید اکنندریه و مصر را فتح نمود و به پنجاه شتافت  
عکده را محصور ساخت قریب بیست روز طول کشید بسبب زیادتی  
شکر رومی و اعانت دولت انگریز رومی را صورت فتح شد  
مذاذ مراجعت بمصر کرد و درین حین و بعضی اخبار ختلال امور است  
فرانسه را شنید مراجعت بفرانس لازم آمد شکر و کشور را  
بجز آل کلبر نامی سپرد و دره سپر کردید با پانصد نفری در دو فرودخانه

دولتی مراجعت نمود بتدایر عمل و همسر فطری اعیان جمهوری  
را بعضی با خود یار و بر خیر اگر فارس ساخته کوشش اول تا مدت  
ده سال شد این در سنه هزار و دویست و هفتده بود بعد  
از چهار ماه بکوشش بلا مده منصوب گشت مجاریاتش با دولت مشا  
در مملکت ایتالیا روی داد درین معارک مسلک سرداری  
شکر را خود ساک بود و جنگ مارنگو مشهور درین معرکه  
نمود چنانچه بدایع و قایع همین سفر را برشته تحریر کشد بعدی عدا  
باید در سنه هزار و دویست و نوزده بلعت امپراطور  
ملقب و شاه شاه مالک فرانسه کردید بحرب و تقنین دولت  
انگریز دول فرانستان بخاصه اش برخاستند و بجاریت  
صف مجاوله آراستند جنگ استرلنز و قش که از این طرف امپراطور  
اعظم ناپلیون بود و از آن طرف امپراطور الکسندر روسیه

و ایامی طور استریه فرانس نام بودند بعد از حملات متواتر و  
 کشتن و متکاثر نسیم فتح و ظفر بر سپکر را بایت فرانس و نیز  
 زیاده از چهل هزار لشکر ایامی طورین مقتول گردید و چندین  
 هزار نفر ماسور شد چنانچه علم و کسب و نجاه عراده توپ  
 بجهت تصرف آوردند پس از آن مصالحه و مساکره در میان  
 آمد این مقدمه در شهسار و دوست و مسیت بود و یکسال  
 بعد پادشاه پروش مجاره اش روی داری سپهر از لشکر  
 پروش هم آغوش خاک گشت چندین هزار نفر اسیر و عراده  
 توپ و سبک و برلین با پشت پروشیه تخریب پس از یکسال و یک  
 جانب فریدند واقع گردید که از این طرف فرانس و از آنجا  
 روس و پروش متفق بودند درین مجادله ظفر فرانس را حاصل  
 از عساکر متفق نجاه هزار نفر مقتول و هشتاد عراده توپ کسب